

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

محکومیت یک اوباش اینستاگرام

حکم محکومیت متهمی که با گرفتن عکس‌های مختلف در حالت برهنه و با دست داشتن قمه و قناره مردم را به خشونت و درگیری تحریک می‌کرد، صادر شد. دادگاه متهم به نام «مصطفی ت.» که دارای سابقه متعدد کیفری بود به اتهام تحریک به اعمال خشونت‌آمیز در فضای مجازی بر گزار شد. این متهم با گرفتن عکس‌های مختلف در حالت برهنه و با دست داشتن قمه و قناره و سپس انتشار آن در صفحه خود مردم را به خشونت و درگیری تحریک می‌کرد. پس از بررسی‌ها، این فرد که توسط پلیس امنیت‌استان البرز شناسایی و بازداشت شده بود، به یک سال حبس، جریمه نقدی و تبعید به یکی از مناطق محروم سیستان و بلوچستان و همچنین ممنوعیت از داشتن هر نوع خط تلفن همراه برای مدت دو سال محکوم شد.

ماجرای باور نکردنی پدری که همچنان به دنبال فرزند ناپدید شده‌اش می‌گردد

در جست‌وجوی نوزاد ۳۴ ساله



گواهی فوت هم برای پسرم صادر نکردند و جسد نوزاد را به ما نشان ندادند. ماقسط به استناد صحبت‌های دکتر مرگ نوزاد را پذیرفتیم. اعلامیه فوتی هم که به ما دادند، فاقد اسم مادر و پدر نوزاد، جنس نوزاد، نام معرف جسد و از همه مهمتر فاقد تاریخ فوت و علت مرگ نارس بودن نوزاد بود. این کاملاً با مدارک بیمارستان که حاکی از سلامت او بعد از زایمان بود، تناقض داشت. حتی مدارک بهداشت زهرانیز نشان می‌دهد که دو نوزاد در یک قبر مربوط به آن اعلامیه دفن شده‌اند.

یعنی هیچ پولی به بیمارستان پرداخت نکردید؟ فقط آنها هزار تومان برای هزینه کفن و دفن دریافت کردند. هیچ پول دیگری از ما نگرفتند.

برای اثبات این موضوع چه کارهایی انجام دادید؟ خیلی شکایت کردم. سال ۷۴ بود که گزارشی مربوط به سرقت نوزادان شنیدیم و علیه بیمارستان شکایت کردم. وزارت بهداشت گزارشی تهیه کرده بود و توصیه به بازجویی جدی و مکرر داشت ولی فایده‌ای نداشت و پرونده را مختومه اعلام کردند. سال ۸۷ مجدداً شکایت کردم و بر اساس فتاوی یکی از مراجع اقدام به نبش قبر گرفته مشخص شد که اولاً اندازه استخوان‌هایی که از قبر به دست آمده از اندازه استخوان‌های نوزاد بزرگتر است، ثانیاً زایشگاه ژنتیک ثابت کرد که آن استخوان‌ها مربوط به نوزاد نیست، در ضمن در آن قبر هیچگونه بقایای استخوان مربوط به نوزاد دیگری پیدا نشد که این امر به تأیید پزشکی قانونی هم رسید و سرقت نوزاد از نظر دادگاه محرز شد. ولی تا الآن هیچ اتفاقی نیفتاده و من همچنان پیگیری این ماجرا هستم که چند سال بعد دوباره پرونده مختومه اعلام شد.

چرا جسد پسر تان را تحویل نگرفتید؟

وقتی خبر فوت را شنیدیم حالمان خیلی بد شد. آنقدر شوکه بودیم که اصلاً به این تناقضات توجهی نکردیم. جسد را هم به توصیه بیمارستان تحویل نگرفتیم چون به ما گفتند اگر جسد را ببینید حالتان بدتر می‌شود. برای همین ما هم قبول کردیم. در صورتی که باید بیشتر توجه می‌کردیم. چرا که اظهارات دکتر که چند روز قبل حکایت از سلامت نوزادمان داشت، کاملاً متناقض بود و ما آنقدر شوکه بودیم که متوجه نشدیم. همانجا بود که دکترش به ما گفت بهتر است پسر تان مرد و گرنه معلول می‌شد و زندگی سختی در انتظار تان بود ولی خیالتان راحت باشد که بچه‌های بعدیتان سالم خواهد بود.

یعنی مزار هم ندارد؟

وقتی بیمارستان گفت که جسد را نمی‌بینیم، قرار شد که خودشان کارهای کفن و دفن را انجام دهند. دو روز بعد هم قبری را نشانمان دادند و گفتند که مزار پسر ما است. چی شد که به این ماجرا اشک کردید؟ بعد از اینکه حالمان کمی بهتر شد، تازه متوجه ماجرا شدیم. صحبت‌های دکتر کاملاً متناقض بود. بیمارستان حتی هزینه بستری ۳ روزه نوزاد را نگرفت در صورتی که چنین رسمی معمول نیست و باید هزینه را می‌گرفتند.

نوزادش توسط دکتر از بیمارستان مرخص شد. هنگام ترخیص اجازه ندادند فرزندمان را ملاقات کنیم، در حالی که به ما گفتند او سالم است و مثل بقیه نوزادان در اتاق نوزادان نگهداری می‌شود. ۲ روز متوالی به ملاقات نوزادم رفتم و پرستارهای بخش هم سلامتی او را تأیید کردند. اما روز سوم دکتر به ما اعلام کرد که نوزادتان فوت شده است.

در حالی که مدارک بیمارستانی و امضای دکتر برخلاف اظهارات وی بود.

جسد پسر تان را هم دیدید؟

نه. ۳ روز بعد از تولد، در شرایطی که هیچ گواهی فوتی برای فرزندم صادر نشده بود، مرگ فرزندم به ما اعلام شد. علت مرگ هم نارسایی مغزی و قلبی نوزاد بود، اما هیچ مدرکی دال بر آن ارائه نکردند. آنها جسدی به ما تحویل ندادند و خود بیمارستان اقدام به تدفین جسد

پسر ما کرد. تاریخ اعلامیه فوت نیز ۱۴ دی ماه یعنی امروز بعد، صادر شده بود. ضمن اینکه در اعلامیه اسم پدر و مادر و جنسیت بچه قید نشده بود.

شهروند ۳۴ سال پیش بود که متولد شد. پدر و مادرش تنها شاهد ۳ روز نفس کشیدنش بودند. بعد از آن سرنوشته معمایی و تلخ، این پسر کوچک را از پسر و مادرش برای همیشه جدا کرد. سرنوشته‌ای که هیچوقت مشخص نشد چه اتفاقی برای این نوزاد تازه متولد شده، رخ داده است. قاضی و سرور تنها سه روز به یک خانواده کوچک تبدیل شده بودند

که خبری مرگ نوزاد بیمارستان، آنها را از فرزندشان جدا کرد. خبری که این پدر و مادر شوکه شده را تازه چند ماه بعد هوشیار کرد و آنها وقتی پازل‌ها را در کنار هم گذاشتند، فکری امیدوارکننده ذهنشان را پر کرد. آنها وقتی خبر فوت نوزادشان را از بیمارستان شنیدند، بدون اینکه جسدی را ببینند، پذیرفتند که پسرشان به دلیل نارسایی مغزی و قلبی فوت شده است. اما بعد از اینکه از شوک

در آمدند تازه فهمیدند که ممکن است، پسرشان هنوز زنده باشد. حالا ۳۴ سال از آن زمان می‌گذرد و سمیه و وحید با اینکه صاحب دو فرزند دیگر شده‌اند، اما هنوز امید به پیدا کردن پسرشان دارند. پسری که ۳۴ سال پیش او را از دست دادند اما حالا همیشه مطمئن تر هستند که او زنده است. پدر این پسر که حالا در امارات زندگی می‌کند، هنوز هم به دنبال اثر یا نشانه‌ای از پسرش است. او که معتقد است پسرش آن زمان زنده بوده و حالا در گوشه‌ای از این جهان نفس می‌کشد، در گفت‌وگو با «شهروند» جزئیات ماجرا را روایت کرد:

پسر تان دقیقاً چه زمانی متولد شد؟

سوم دی ماه سال ۶۳، پسرم در یکی از بیمارستان‌های تهران به دنیا آمد. من هم در شرایطی که همه پزشکان اعلام کردند سالم و سلامت است.

بعد از تولد چه اتفاقی افتاد؟

همسرم بعد از زایمان دور از نوزادش و در طبقه دیگری بستری شد. در همان روز تولد به توصیه دکتر و قبل از معاینه



**شهروند** مرد جوان دوستش را در بیان‌های امین‌آباد به قتل رساند. متهم ادعا دارد مقتول به همسر سابقش پیامک‌های عاشقانه ارسال می‌کرد. بامداد ۱۱ مردادماه بود که ماموران کلانتری امین‌آباد در جریان کشف جسد مردی ۳۵ساله در زمین‌های کشاورزی قرار گرفتند.

در بررسی تیم تشخیص هویت و بررسی صحنه اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران مشخص شد جسد متعلق به مردی ۳۵ساله است که پیش از سوزانده شدن، در درگیری با ضربات متعدد چاقو به ناحیه صورت، شکم، دست و گردن به قتل رسیده است.



تصویری از نبش قبر نوزاد فوت شده

قتل به دلیل ارسال پیامک‌های عاشقانه

هنگام بررسی جسد توسط تیم تشخیص هویت و بررسی صحنه اداره دهم پلیس آگاهی، کارآگاهان در لباس‌های به جای مانده از مقتول موفق به خارج کردن کارت شناسایی متعلق به مقتول شدند که هویت مقتول به نام صادق ۳۵ساله ساکن خیابان پیروزی شناسایی شد. در تحقیقات از خانواده وی نیز مشخص شد که مقتول به دنبال تماس یکی از دوستانش به نام علی از منزل خارج شده و دیگر بازنگشته است.

با شناسایی محل زندگی علی ۴۰ساله در منطقه پیروزی، کارآگاهان برای انجام تحقیقات به خانه او مراجعه و اطلاع پیدا کردند که علی همزمان با کشف جسد مقتول، از محل سکونتش خارج و پس از آن ناپدید شده و پاسخگوی تماس‌های تلفنی اعضای خانواده‌اش نیز نبوده است؛ همچنین مقتول ندارم و نمی‌دانم که آیا موضوع کشته شدن صادق به موضوع پیامک‌ها ارتباط دارد یا خیر»

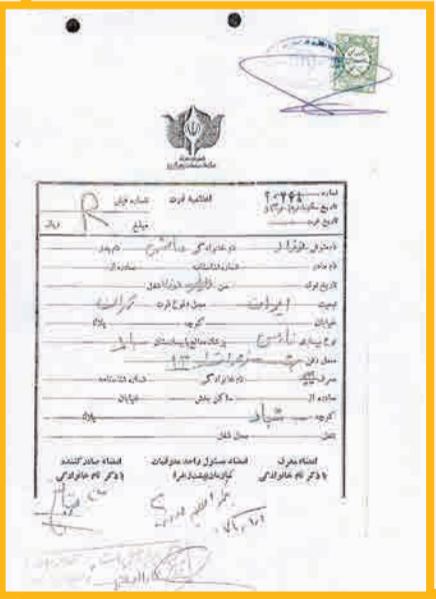
با توجه به اطلاعات به دست آمده درباره انگیزه احتمالی

جنایت، کارآگاهان با انجام اقدامات ویژه پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه علی در منزل یکی از دوستانش به نام علیرضا شدند. این محل در محدوده خیابان شوش شناسایی شد و تحت مراقبت نامحسوس پلیسی قرار گرفت و سرانجام در ۱۳ مردادماه، متهم به همراه دوستش علیرضا دستگیر شد.

متهم اصلی پرونده با تأیید اظهارات همسر سابقش درباره ارسال پیامک‌های عاشقانه عنوان کرد که از همان زمان تصمیم به کشتن مقتول گرفته است. وی در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: به واسطه کینه‌های که از مقتول پیدا کرده بودم، با تصمیم قبلی و به همراه علیرضا او را به بیابان‌های اطراف امین‌آباد بردم و با ضربات چاقویی که از قبل همراه داشتم به صورت، گردن و کمر صادق ضربه زدم. پس از کشتن صادق، جنازه‌اش را آتش زدم و به همراه علیرضا از محل دور شدم.

علیرضا نیز در اظهاراتش با تأیید اظهارات متهم اصلی پرونده عنوان کرد که در محل ارتکاب جنایت حضور مستقیم نداشته، اما هیچ دخالتی در درگیری منجر به جنایت یا سوزاندن جسد نداشته است.

گواهی فوت از امشده از سوی بیمارستان



گواهی فوت هم برای پسرم صادر نکردند و جسد نوزاد را به ما نشان ندادند. ماقسط به استناد صحبت‌های دکتر مرگ نوزاد را پذیرفتیم. اعلامیه فوتی هم که به ما دادند، فاقد اسم مادر و پدر نوزاد، جنس نوزاد، نام معرف جسد و از همه مهمتر فاقد تاریخ فوت و علت مرگ نارس بودن نوزاد بود. این کاملاً با مدارک بیمارستان که حاکی از سلامت او بعد از زایمان بود، تناقض داشت. حتی مدارک بهداشت زهرانیز نشان می‌دهد که دو نوزاد در یک قبر مربوط به آن اعلامیه دفن شده‌اند. یعنی هیچ پولی به بیمارستان پرداخت نکردید؟ فقط آنها هزار تومان برای هزینه کفن و دفن دریافت کردند. هیچ پول دیگری از ما نگرفتند. برای اثبات این موضوع چه کارهایی انجام دادید؟ خیلی شکایت کردم. سال ۷۴ بود که گزارشی مربوط به سرقت نوزادان شنیدیم و علیه بیمارستان شکایت کردم. وزارت بهداشت گزارشی تهیه کرده بود و توصیه به بازجویی جدی و مکرر داشت ولی فایده‌ای نداشت و پرونده را مختومه اعلام کردند. سال ۸۷ مجدداً شکایت کردم و بر اساس فتاوی یکی از مراجع اقدام به نبش قبر گرفته مشخص شد که اولاً اندازه استخوان‌هایی که از قبر به دست آمده از اندازه استخوان‌های نوزاد بزرگتر است، ثانیاً زایشگاه ژنتیک ثابت کرد که آن استخوان‌ها مربوط به نوزاد نیست، در ضمن در آن قبر هیچگونه بقایای استخوان مربوط به نوزاد دیگری پیدا نشد که این امر به تأیید پزشکی قانونی هم رسید و سرقت نوزاد از نظر دادگاه محرز شد. ولی تا الآن هیچ اتفاقی نیفتاده و من همچنان پیگیری این ماجرا هستم که چند سال بعد دوباره پرونده مختومه اعلام شد.